

Evaluating the effect of agency costs on permanent and temporary tax differences

Sina Kheradyar¹, Shoeyb Rostami², Farnam Farhoo³

¹Department of Accounting, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
kheradyar@iaurasht.ac.ir

²Department of Accounting, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran
sh.rostami@qiau.ac.ir

³M. A. Student in Accounting, Kooshiar Institute of Higher Education, Rasht, Iran
(Corresponding Author) farnamfarhou@gmail.com

Received: 2023/12/02 Accepted: 2024/02/16

Abstract

Tax payments are one of the major expenses that individuals and companies incur due to their income-generating activities. Creating permanent and temporary tax differences is considered as a risky activity that can bring losses for shareholders. However, the issue of agency and the increase of agency costs in companies increases tax differences. But in the absence of appropriate scientific and experimental evidence in the field of tax differences, the present research has evaluated the effect of agency costs on permanent and temporary tax differences. In this research, four criteria of asset utilization, discretionary expenses, Q Tobin ratio and free cash flow ratio have been used to measure agency costs. In this regard, a sample consisting of 143 companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the period of 2015 to 2021 was selected and tested. Using the multivariate regression method, the results show that among the selected criteria for measuring agency costs, only free cash flow has a significant indirect relationship with permanent tax differences, and the results also show that all four criteria are considered taken to measure the agency costs has a significant relationship with the temporary tax difference that the free cash flow and Q Tobin ratio have an indirect significant relationship and the asset utilization ratio and the ratio of discretionary expenses has a direct and significant relationship with temporary tax differences.

Keywords: Permanent tax difference, Temporary tax difference, Agency costs.

ارزیابی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیات

سینا خردیار^۱، شعیب رستمی^۲، فرنام فرهو^۳

^۱گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

kheradyar@iaurasht.ac.ir

^۲گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

sh.rostami@qiau.ac.ir

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کوشیار، رشت، ایران

farnamfarhou@gmail.com (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

چکیده

پرداخت‌های مالیاتی از جمله هزینه‌های عمده‌ای است که افراد و بنگاه‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود متحمل می‌شوند. ایجاد تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیاتی به عنوان یک فعالیت خطرناک به شمار می‌رود که می‌تواند خساراتی برای سهامداران به همراه داشته باشد. اما مسئله نمایندگی و افزایش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌ها موجب افزایش تفاوت‌های مالیاتی می‌شود. اما در نبود شواهد علمی و تجربی مناسب در زمینه تفاوت‌های مالیاتی، پژوهش حاضر به ارزیابی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیات پرداخته است. در این پژوهش از چهار معیار نسبت به کارگیری دارایی، هزینه‌های اختیاری، نسبت کیوتوبین و نسبت جریان نقد آزاد جهت سنجش هزینه‌های نمایندگی استفاده شده است. در همین راستا نمونه‌ای متشکل از ۱۴۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۰ انتخاب و آزمون شده است. نتایج با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که از معیارهای منتخب برای سنجش هزینه‌های نمایندگی، فقط جریان نقد آزاد دارای رابطه معنادار غیرمستقیم با تفاوت‌های دائمی مالیات می‌باشد و همچنین نتایج نشان داد هر چهار معیار در نظر گرفته شده جهت سنجش هزینه‌های نمایندگی دارای رابطه معناداری با تفاوت موقتی مالیاتی می‌باشد که جریان نقد آزاد و نسبت کیوتوبین دارای رابطه معنادار غیرمستقیم و نسبت بکارگیری دارایی‌ها و نسبت هزینه‌های اختیاری دارای رابطه مستقیم و معناداری با تفاوت‌های موقتی مالیات می‌باشد.

واژگان کلیدی: تفاوت دائمی مالیاتی، تفاوت موقتی مالیاتی، هزینه‌های نمایندگی.

۱. مقدمه

عوامل اقتصادی با استفاده از روندهای قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به همین منظور سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مالیاتی همیشه در قانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده‌است. به عبارت دیگر، اجتناب از پرداخت مالیات، به عنوان استفاده از مؤلفه‌های شکاف مالیاتی از جمله تفاوت مالیاتی که پرداخت مالیات بر درآمد شرکت را کاهش می‌دهد، تلقی می‌شود. بنابراین از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است بحث در ارتباط با مؤلفه‌های مربوط به شکاف مالیاتی است که در این پژوهش به ارزیابی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیات پرداخته شده است.

مالیات مخارجی است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راه‌کارهایی (شامل راه‌کارهای قانونی با عنوان اجتناب مالیاتی و غیرقانونی با عنوان فرار مالیاتی) برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. به طور کلی راه‌کارهای کاهش مالیات پرداختی را می‌توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد. دیدگاه نخست به این موضوع اشاره دارد که مدیران به منظور کاهش تعهدات مالی و صرفه‌جویی وجوه نقد به دنبال کاهش مالیات پرداختی هستند. از این رو، از دیدگاه سرمایه‌گذاران این موضوع افزایش دهنده ارزش شرکت بوده و مدیران باید برای استفاده از این راه‌کارها تشویق شوند و پاداش بگیرند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

دیدگاه دوم مربوط به نظریه نمایندگی می‌باشد. بر اساس نظریه نمایندگی، راه‌کارهای کاهش مالیات پرداختی، همیشه موجب افزایش ثروت سهامداران نمی‌شود. با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران، سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌شود و به طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی در جهت منافع خویش انجام دهند و ضرورت ندانند اقدامات انجام گرفته در جهت منافع سهامداران و سایر ذینفعان باشد که به آن مسئله نمایندگی گفته می‌شود. یکی از ذی‌نفعان اصلی شرکت‌ها، دولت است که بخش عمده‌ای از منابع درآمدی خود را از طریق وصول مالیات تأمین می‌کند. درآمد مالیاتی نقش بسزایی در تأمین هزینه‌های دولت دارد و این امکان را فراهم می‌کند تا دولت در راستای شکوفایی، رشد و رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری کند. بخش عمده مالیات‌های وصولی دولت از محل مالیات عملکرد اشخاص حقوقی تأمین می‌شود. در این راستا دولت که یکی از ذی‌نفعان شرکت‌هاست، برای تشخیص مالیات بر اظهارنامه‌های مالیاتی‌ای تکیه می‌کند که مؤدیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌کنند. این اساس، اجتناب از پرداخت مالیات، اغلب در انحراف منافع به سود خود مدیران نقش

دارد، دامنه این موضوع در اشکال دستکاری و سرقت سود شرکت تا پاداش غیرمتعارف مدیران است (وانگ، ۲۰۱۰). اخذ مالیات در ایران فرآیندی است که با ابزار مالیات توسط مؤدی، از طریق اظهارنامه مالیاتی آغاز می‌شود و پس از طی مراحل تعیین شده، با وصول مالیات خاتمه می‌یابد. بخش عمده‌ای از مالیات‌های وصولی دولت از محل مالیات عملکرد اشخاص حقوقی تأمین می‌شود. به رغم تکیه دولت بر اظهارنامه‌های مؤدیان، مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی در بیشتر موارد یکسان نمی‌باشد که اصطلاحاً به آن "شکاف مالیاتی" گفته می‌شود (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). اختلاف بین اصول و قواعد حاکم بر حسابداری و گزارشگری مالی و مالیاتی موجب بوجود آمدن این تفاوت در بین مالیات ابرازی (بر مبنای سود حسابداری) و مالیات تشخیصی (بر مبنای سود مأخذ محاسبه مالیات) می‌شود (قادری و همکاران، ۱۳۹۷).

طبق یک طبقه‌بندی، شکاف مالیاتی به دو بخش عمده فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی تقسیم شده‌است. فرار مالیاتی زمانی رخ می‌دهد که مؤدی از گزارش درآمد مشمول مالیات خودداری کند و دست به یک اقدام غیرقانونی می‌زند که وی را در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع مالیاتی قرار می‌دهد. در مقابل اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می‌شود و مؤدی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). در یک طبقه‌بندی دیگر شکاف مالیاتی به دو مؤلفه اختلافات موقتی مالیاتی و اختلافات دائمی مالیاتی طبقه‌بندی می‌شود. اختلافات دائمی مالیاتی عموماً ناشی از امتیازات و مقررات خاصی است که به دلیل شرایط سیاسی، اقتصادی یا اداری تعیین می‌گردند. اختلافات موقت مالیاتی نیز ناشی از زمان‌بندی اقلام بدهکار و بستانکار و تفاوت‌های ارزشیابی است (کرباسی یزدی و صالح، ۱۳۹۲). در پژوهش‌های قبلی بر طبقه‌بندی اول بیشتر تأکید شده و اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی موضوع پژوهش‌های زیادی بوده‌است. در این پژوهش بر طبقه‌بندی دوم و تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیاتی تأکید می‌شود. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی تضاد منافع بین مدیران و سهامداران از یک سو و سایر ذی‌نفعان (مثل دولت) از سوی دیگر ایجاد می‌شود. در واقع در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی به این پرسش هستیم که آیا تضاد منافع بین گروه مدیریت و دیگر گروه‌های ذی‌نفع بر تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیات اثرگذار است یا خیر. در واقع این پژوهش به دنبال آزمون دیدگاه دوم (مربوط به نظریه نمایندگی) و اینکه آیا هزینه‌های نمایندگی می‌تواند افزایش تفاوت‌های مالیاتی را به همراه داشته‌باشد یا خیر، می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

حسن و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر مالکیت نهادی خارجی بر تفاوت‌های مالیاتی پرداخت. نتایج نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاران نهادی خارجی، اجتناب مالیاتی شرکت‌های سرمایه‌پذیر خود را کاهش می‌دهند. شواهد نشان می‌دهد که این اثر ناشی از فاصله نهادی بین کشور یا مناطق مبدأ سرمایه‌گذاران نهادی

خارجی و کشور یا مناطق میزبان سرمایه‌گذاران نهادی خارجی می‌باشد. به طور خاص، آنان دریافتند که این اثرات ناشی از تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی خارج کشورها یا مناطق دارای نهادهای با کیفیت بالا (به عنوان مثال، قانون عرفی، اثربخشی بالای دولت و کیفیت نظارتی بالا) بر شرکت‌های سرمایه‌پذیر واقع در کشورها یا مناطق دارای نهادهایی با کیفیت پایین می‌باشد. علاوه بر این، آنان نشان دادند که این تأثیرات بر سرمایه‌گذاران نهادی خارجی کم تجربه‌تر در کشورها یا مناطق سرمایه‌پذیر یا سرمایه‌گذاران نهادی خارجی دارای محرک‌های نظارتی قوی‌تر، متمرکز می‌باشند. در نهایت، نتایج نشان داد که اگر شرکت سطح بالاتری از اجتناب مالیاتی داشته باشد، سرمایه‌گذاران نهادی خارجی به احتمال زیاد علیه مدیریت رأی می‌دهند.

برادشاو و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی با تأکید بر نقش حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۳۵۱۶ شرکت آمریکایی طی بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ انجام شد، نشان داد که برنامه‌ریزی مالیاتی شامل اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی باعث افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی این رابطه را تضعیف می‌کنند. به عبارتی وجود مکانیزم حاکمیت شرکتی قوی باعث کاهش شکاف مالیاتی و هزینه‌های نمایندگی می‌شود. در کشور ایران نیز، احمدی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نگهداشت وجه نقد پرداختند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نگهداشت وجه نقد رابطه معنادار و معکوسی برقرار است. یعنی با افزایش عدم قطعیت سیاست اقتصادی، نگهداشت وجه نقد کاهش پیدا می‌کند. همچنین در دیگر نتایج پژوهش مشاهده شد که هزینه نمایندگی بر رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نگهداشت وجه نقد تأثیر معنادار و معکوسی دارد.

همچنین کرمی و رکابدار (۱۳۹۹) به بررسی ابتکار و خلاقیت در تفکیک مؤلفه‌های شکاف مالیاتی و تأثیر آن‌ها بر تغییرات سودهای آتی پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که بین شکاف مالیاتی و تغییرات سودهای آتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج مؤید این است که دو مؤلفه اختلاف‌های موقتی و دائمی مالیاتی تأثیر معناداری بر تغییرات سودهای آتی دارند؛ به طوری که می‌توان مدعی شد افزایش اختلاف بین سود حسابداری و مالیاتی می‌تواند با کاهش سود در سال آینده و پایداری کمتر سود همراه باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های شکاف مالیاتی در ایران علاوه بر اختلاف‌های دائمی شامل اختلاف‌های موقت هم هست و با تفکیک اختلاف‌های دائمی و موقت می‌توان درآمد مشمول مالیات دقیق‌تری را محاسبه نمود که از یک سو افزایش رضایتمندی مؤدیان مالیاتی و از سوی دیگر چالش‌های مالیات‌ستانی، فرار و اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. بنابراین انتظار می‌رود با این نوآوری نظام مالیاتی کارآمد و عدالت مالیاتی بیشتر شود.

۳. فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اصلی اول: بین هزینه‌های نمایندگی و تفاوت دائمی مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۱: بین نسبت به‌کارگیری دارایی‌ها و تفاوت دائمی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین نسبت هزینه‌های اختیاری و تفاوت دائمی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین نسبت کیوتوبین و تفاوت دائمی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۴: بین نسبت جریان وجه نقد آزاد و تفاوت دائمی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه اصلی دوم: بین هزینه‌های نمایندگی و تفاوت موقتی مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۵: بین نسبت به‌کارگیری دارایی‌ها و تفاوت موقتی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۶: بین نسبت هزینه‌های اختیاری و تفاوت موقتی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۷: بین نسبت کیوتوبین و تفاوت موقتی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۸: بین نسبت جریان وجه نقد آزاد و تفاوت موقتی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع کاربردی است. این نوع پژوهش از آن جهت که می‌تواند مورد استفاده سازمان بورس اوراق بهادار، تحلیل‌گران مالی، کارگزاران بورس، مدیران مالی شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهش‌گران و سازمان حسابرسی قرار گیرد، کاربردی است. از جهت روش استنتاج، این پژوهش از نوع تحلیلی (همبستگی) می‌باشد. پژوهش توصیفی آنچه را که هست بدون دخل و تصرف توصیف و تفسیر می‌کند. این نوع از پژوهش شامل جمع‌آوری اطلاعات به منظور آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می‌باشد. در خصوص ادبیات پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای مقالات و پایان‌نامه‌های داخلی و سایت‌های اینترنتی اطلاعات مورد نیاز مربوط به ادبیات پژوهش جمع‌آوری شده است و نیز برای جمع‌آوری اطلاعات مالی شرکت‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و اطلاعات منتشر شده در کدال استفاده شده است. جهت تلخیص مطالعات کتابخانه‌ای یا ادبیات پژوهش از فیش استفاده شده و جهت توصیف و طبقه‌بندی یافته‌های مبتنی بر بررسی تجربیات گذشته و اطلاعات مالی شرکت‌ها از نرم‌افزار Excel استفاده گردید. به بیانی از نرم‌افزار Excel ۲۰۱۳ برای جمع‌آوری داده‌های خام استفاده شده و پس از آن برای برآورد الگوها از نرم‌افزار Eviews8 استفاده شده است.

۱.۴. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در دسترس این پژوهش شامل شرکت‌های منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دارای شرایط زیر به روش حذف سیستماتیک و در بازه زمانی ۱۳۹۴ لغایت ۱۴۰۰ (۷ ساله) باشند: الف) نمونه‌های انتخاب شده قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. ب) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه دوره مالی و همسانی تاریخ گزارشگری، سال مالی منتهی به اسفندماه باشد.

ج) طی سال‌های مورد مطالعه تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشد.

د) وقفه بیشتر از سه ماه در معاملات آن‌ها رخ نداده باشد.

ه) نوع فعالیت شرکت، تولیدی بوده و لذا مؤسسات مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها در نمونه آورده نمی‌شوند؛ و دلیل آن نوع خاص و ماهیت متفاوت فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مالی بوده که نتیجه آن طبقه‌بندی متفاوت اقلام صورت‌های مالی می‌باشد.

در پژوهش فوق از روش حذف نظام‌مند برای تعیین نمونه مورد نظر استفاده شده است و تعداد نمونه پس از غربالگری (حذف نظام‌مند) برابر با ۱۴۳ شرکت مورد مطالعه می‌باشد.

جدول ۱. روش انتخاب نمونه

تعداد	شرح
۵۵۸	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۱۴۰۰
(۱۶۲)	شرکت‌های مورد نظر که از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا انتهای سال ۱۴۰۰ در عضویت بورس اوراق بهادار نبوده‌اند.
(۱۰۶)	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها به پایان اسفند ختم نشده است و یا شرکت‌های که در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی داشته‌اند.
(۱۲۳)	به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت‌ها جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، هلدینگ، لیزینگ و بانک‌ها بودند.
(۲۴)	طی دوره پژوهش فعالیت مستمر نداشته و معاملات آنها در بورس دچار وقفه بیش از سه ماه بوده است.
۱۴۳	تعداد کل شرکت‌های باقیمانده با توجه به محدودیت‌های مورد نظر

۲.۴. مدل‌های متغیرهای پژوهش

برای سنجش فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده شده است:
مدل مربوط به فرضیه ۱ تا ۴:

$$TEMP_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Asset-UT_{i,t} + \beta_2 DIS-EX_{i,t} + \beta_3 TQ_{i,t} + \beta_4 FCF_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل مربوط به فرضیه ۵ تا ۸:

$$PERM_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Asset-UT_{i,t} + \beta_2 DIS-EX_{i,t} + \beta_3 TQ_{i,t} + \beta_4 FCF_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل‌های فوق:

PERM: نشان دهنده تفاوت دائمی مالیاتی است.

TEMP: نشان دهنده تفاوت موقتی مالیاتی است.

Asset-UT: نشان دهنده نسبت به‌کارگیری دارایی‌ها می‌باشد.

DIS-EX: نشان دهنده نسبت هزینه‌های اختیاری می‌باشد.

TQ: نشان دهنده نسبت کیوتوبین می‌باشد.

FCF: نشان دهنده نسبت جریان وجوه نقد آزاد می‌باشد.

ROA: نشان دهنده نسبت سودآوری می‌باشد.

LEV: نشان دهنده نسبت اهرمی می‌باشد.

متغیر وابسته

متغیر وابسته در فرضیه‌های یک تا چهار، اختلاف دائمی مالیاتی می‌باشد که با PERM نشان می‌دهیم. این تفاوت عموماً ناشی از امتیازات و مقررات خاصی است که به دلیل شرایط سیاسی، اقتصادی یا اداری تعیین می‌شود (مانند معافیت‌های مواد ۱۳۲، ۱۴۳ و ۱۳۳ ق.م.م). برای محاسبه تفاوت‌های دائمی از تفاوت مالیات تشخیصی (به دست آمده در بخش مالیات صورت‌های مالی) و مالیات قانونی استفاده شده است (کرباسی یزدی و راسخ صالح، ۱۳۹۲).

متغیر وابسته در فرضیه‌های پنج تا هشتم تفاوت موقتی مالیاتی می‌باشد که با TEMP نشان می‌دهیم. تفاوت موقت ناشی از زمان‌بندی ارقام بدهکار و بستانکار و تفاوت‌های ارزش‌یابی است (کرباسی یزدی و صالح، ۱۳۹۲). تفاوت‌های موقت با کم کردن تفاوت‌های دائمی از اختلافات کل (شکاف مالیاتی) محاسبه خواهد شد.

شایان ذکر است شکاف مالیاتی از اختلاف بین مالیات ابرازی (اظهار شده) و مالیات تعیینی (تشخیصی، قطعی و یا نظرات نهایی شورای عالی مالیاتی) اطلاعات مندرج در نگاره مالیات بر درآمد یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی اساسی بدست می‌آید. اولویت در انتخاب مالیات تعیینی، مالیات قطعی می‌باشد

و در صورتی که مالیات هنوز قطعی نشده باشد از مالیات تشخیصی استفاده خواهد شد (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳).

متغیرهای مستقل

متغیر مستقل، هزینه‌های نمایندگی می‌باشد که در این پژوهش از چهار شاخص جهت محاسبه هزینه نمایندگی استفاده شده‌است:

۱. نسبت به کارگیری دارایی‌ها که در مدل رگرسیونی با Asset-UT نشان داده شده است، چگونگی بهره‌وری و استفاده از دارایی‌های شرکت توسط مدیران برای ایجاد فروش و سود بیش‌تر را اندازه‌گیری می‌کند. این نسبت به عنوان معیار معکوسی برای هزینه‌های نمایندگی بکار می‌رود. به این معنی که هرچه این نسبت بالاتر باشد هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر خواهد بود (هنری، ۲۰۱۰؛ مک نایت و ویر، ۲۰۰۹). متغیر مستقل نسبت به کارگیری دارایی‌ها بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{نسبت به کارگیری دارایی} = \frac{\text{جمع فروش}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$$

۲. نسبت هزینه‌های اختیاری که در مدل رگرسیونی با DIS-EX نشان داده شده‌است، می‌تواند معیاری از افراط‌گرایی مدیریت در انجام هزینه‌های اختیار باشد. نسبت هزینه‌های اختیاری، چگونگی کنترل هزینه‌های عملیاتی توسط مدیران را اندازه‌گیری می‌کند و به عنوان معیار مستقیم هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود. یعنی هرچه این نسبت بالاتر باشد، هزینه‌های نمایندگی نیز بیشتر است (هنری، ۲۰۱۰؛ آنگ و همکاران، ۲۰۰۰). متغیر مستقل نسبت هزینه‌های اختیاری به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{نسبت هزینه‌های اختیاری} = \frac{\text{جمع هزینه‌های فروش، عمومی و اداری}}{\text{جمع فروش}}$$

۳. نسبت کیوتوبین که در مدل رگرسیونی با TQ نشان داده شده‌است، عموماً به عنوان معیاری از عملکرد مدیریت به کار می‌رود. اعتقاد بر این است که عملکرد ضعیف مدیریت، احتمالاً باعث اتخاذ تصمیم‌هایی می‌شود که هزینه‌های نمایندگی را افزایش خواهد داد. از این رو نسبت کیوتوبین پایین‌تر، بیانگر عملکرد ضعیف مدیران است و می‌تواند نشان دهنده وجود مشکلات نمایندگی باشد. یعنی بین هزینه‌های نمایندگی و نسبت کیوتوبین رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر نسبت کیوتوبین از شاخص‌های معتبر در تبیین حداقل و یا حداکثر نمودن مطلوبیت هزینه‌های نمایندگی تلقی می‌شود (هنری، ۲۰۱۰). همچنین با استفاده از آماره کیوتوبین، تنوع تصمیمات مدیریت (هزینه نمایندگی سهامداران شرکت) که بیانگر عملکرد

مدیریت است، قابل سنجش و ارزیابی است (ولف، ۲۰۰۳). نسبت کیوتوبین به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{کیوتوبین} = \frac{\text{جمع بدهی‌های بلند مدت} + \text{ارزش بازار شرکت}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$$

۴. جریان وجوه نقد آزاد: به عقیده جنسن (۱۹۸۶)، میزان بیش از حد جریان‌های نقدی آزاد، نارسایی‌های داخلی و ائتلاف منابع سازمانی را دنبال دارد. ولی در تئوری جریان نقدی آزاد بیان می‌دارد که مدیران به جای توزیع جریان‌های نقد آزاد بین مالکان، تمایل به سرمایه‌گذاری مجدد آن در شرکت دارند؛ زیرا پرداخت وجه به سهامداران موجب کاهش منابع تحت کنترل مدیریت و در نتیجه کاهش قدرت وی می‌شود. همچنین مدیران تمایل به رشد شرکت بیش از اندازه بهینه آن دارند؛ زیرا رشد شرکت با افزایش پاداش مدیریت و منابع تحت کنترل آنان خواهد شد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین جریان وجوه نقد آزاد موجب می‌گردد که مدیریت از این وجوه جهت منافع شخصی خود استفاده کرده و موجب تضعیف عملکرد شرکت شود. ریان نقد آزاد بصورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{جریان وجوه نقد عملیاتی} - \text{سود تقسیمی} \\ \text{نسبت جریان وجوه نقد آزاد} = \frac{\quad}{\text{جمع دارایی‌ها}}$$

متغیرهای کنترلی

نسبت سودآوری: که در مدل آماری پژوهش با ROA نشان داده شده‌است. سود از جمله اطلاعات بااهمیت در تصمیمات اقتصادی به شمار می‌رود. سود به عنوان ابزار سنجش اثربخشی عملکرد مدیریت و نیز وسیله پیش‌بینی و ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها، همواره مورد استفاده سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی و دیگر گروه‌های ذی‌نفع بوده‌است. با توجه به اینکه مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، در نتیجه سودآوری می‌تواند عاملی مؤثر بر انگیزه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و به تبع آن ایجاد شکاف مالیاتی باشد. همچنین، از آن‌جا که طرح‌های پاداش گروه مدیریت و دیگر گردانندگان واحد تجاری مبتنی بر معیارهای عملکرد مدیریت همچون سودآوری و جریان‌های نقدی است، می‌توان انتظار داشت مدیران در راستای تحقق پاداش‌های در نظر گرفته‌شده از جانب سهامداران برای آنان، انگیزه زیادی برای کاهش مالیات پرداختی داشته باشند، زیرا کاهش مالیات پرداختی در نهایت منجر به افزایش سود خالص و کاهش جریان‌های نقدی خروجی ناشی از مالیات می‌گردد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). نسبت سودآوری بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{نسبت سودآوری} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$$

نسبت اهرمی: مدیران شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، برای رعایت شروط قراردادهای تأمین مالی و نشان دادن عملکرد مطلوب شرکت، به دستکاری سود می‌پردازند؛ زیرا مدیران این قبیل شرکت‌ها برای راضی نگه‌داشتن اعتباردهندگان باید سوددهی مناسبی داشته باشند. بنابراین، مدیران این شرکت‌ها تمایل کمتری به کاهش سود شرکت‌های خود برای پرداخت مالیات کمتر دارند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). مؤدی (مدیران) از طریق گزارش درآمد مشمول مالیات ابرازی با افزایش نسبت بدهی، انگیزه بیشتری برای اعمال شکاف مالیاتی دارند (وانگ، ۲۰۱۰). بنابراین نسبت اهرمی می‌تواند به عنوان عاملی بیرونی بر روی شکاف مالیاتی تأثیرگذار تلقی شود. نسبت اهرمی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{نسبت اهرمی} = \frac{\text{جمع بدهی‌ها}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$$

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. آمار توصیفی

جدول زیر نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	چولگی	کشیدگی
تفاوت دائمی	TEMP	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۹۵	-۰/۰۶	۴/۸۸	۲۸/۰۶
تفاوت موقتی	PERM	۰/۰۳	۰/۰۰۳	۰/۱۶	۱/۱۴	-۱/۶۶	۳/۱۰	۳۶/۷۳
نسبت به کارگیری دارایی	ASSET	۰/۵۷	۰/۴۷	۰/۳۸	۲/۷۹	۰/۰۰۹	۱/۸۶	۷/۸۳
هزینه‌های اختیاری	DISEX	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۷۷	۰/۰۰۴	۴/۱۹	۲۸/۱۳
نسبت کیوتوبین	TQ	۲/۴۵	۱/۵۲	۲/۲۴	۱۱/۲۱	۰/۱۷	۱/۶۰	۵/۰۹

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	چولگی	کشیدگی
جریان وجه نقد آزاد	FCF	-۰/۰۷	-۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۳۱	-۰/۶۴	-۱/۲۴	۷/۱۰
نسبت سودآوری	ROA	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۶۷	-۰/۵۸	۰/۳۹	۳/۷۲
نسبت اهرم مالی	LEV	۰/۵۳	۰/۵۴	۰/۲۰	۱/۸۲	۰/۰۳	-۰/۳۱	۴/۳۵

۲,۵. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

قبل از برآورد مدل باید نرمال بودن متغیر وابسته مورد آزمون قرار گیرد، توزیع غیرنرمال این متغیر منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می‌شود. لذا لازم است نرمال بودن توزیع متغیر وابسته پژوهش مورد آزمون قرار گیرد. در این مطالعه این موضوع از طریق آماره جارک-برا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از آنجایی که احتمال آماره جارک-برا برای متغیر وابسته کمتر از ۵٪ است، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر وابسته مربوطه رد می‌شود. در این راستا برای نرمال سازی متغیرهای مذکور از تبدیل جانسون استفاده شده است. در نتیجه فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن متغیر مذکور پذیرفته می‌شود. جدول ۳ نتایج حاصل از نرمال بودن متغیر وابسته را قبل و بعد از نرمال شدن نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون جارک-برا متغیر وابسته

احتمال	آماره جارک برا	متغیر وابسته
۰/۰۰	۳۰۱۹/۷۴	تفاوت دائمی مالیات
۰/۱۳	۳/۹۸	(TEMP)
۰/۰۰	۴۹۰۷۱/۲۷	تفاوت موقتی مالیات
۰/۱۲	۴/۱۲	(PERM)

۳,۵. آزمون مانایی

به منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنی‌دار بودن متغیرها اقدام به انجام آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای پژوهش در مدل گردید (جدول ۴). آزمون مزبور با استفاده از نرم‌افزار Eviews7 و روش‌های آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، آزمون ایم، پسران

وشین (۲۰۰۳)، آزمون ریشه واحد فیشر - دیکی فولر تعمیم‌یافته و آزمون ریشه واحد فیشر - فلیپس پرون (۱۹۹۴) انجام گردید. در آزمون ریشه واحد، فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد بوده و در صورتیکه احتمال جدول کوچکتر از ۰/۰۵ باشد به احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون مانایی مدل‌های پژوهش

نتیجه آزمون	روش آزمون		متغیر
	Levin, lin & chut		
	احتمال	آماره	
تایید	۰/۰۰	-۱۵۴/۳۹	TEMP (تفاوت دائمی)
تایید	۰/۰۰	-۱۳۰/۰۱	PERM (تفاوت موقتی)
تایید	۰/۰۰	-۲۷/۵۳	ASSET (نسبت به کارگیری دارایی)
تایید	۰/۰۰	-۱۰/۹۳	DISEX (هزینه‌های اختیاری)
تایید	۰/۰۰	-۱۱/۳۱	TQ (نسبت کیوتوبین)
تایید	۰/۰۰	-۲۸/۲۵	FCF (جریان وجه نقد آزاد)
تایید	۰/۰۰	-۷/۱۳	ROA (نسبت سودآوری)
تایید	۰/۰۰	-۱۰/۵۴	LEV (نسبت اهرم مالی)

باتوجه به نتایج بدست آمده فرضیه‌ی صفر مبنی بر ریشه واحد داشتن متغیرها پذیرفته نمی‌شود و نتایج حاصل از آزمون مانایی نشان می‌دهد که متغیرها مانا می‌باشند.

۴.۵. آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن

جهت آزمون فرضیات پژوهش، ابتدا مدل اثرات ثابت - زمانی برآورد می‌شود سپس برای این که ببینیم این عرض از مبدأها از لحاظ آماری با هم تفاوت معنی‌داری دارند یا خیر از آزمون چاو استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون چاو

نتیجه	احتمال	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون
Panel پنل	۰/۰۰	(۱۴۲،۸۵۲)	۱۲/۹۱
Panel پنل	۰/۰۰	(۱۴۲،۸۵۲)	۶/۶۳

همانطوری که ملاحظه می‌گردد، با توجه به احتمال بدست آمده فرضیه صفر مبتنی بر برابری عرض از مبدأها در فرضیه‌ها پذیرفته نمی‌شود، بنابراین، مدل پنل (ترکیبی) به عنوان مدل ارجح در هر دو مدل پژوهش انتخاب می‌شود.

۵.۵. آزمون هاسمن

همانطور که ملاحظه می‌گردد، نتایج آزمون چاو در مدل مربوطه، مبتنی بر انتخاب مدل پانل می‌باشد. حال می‌بایست مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. برای انجام آزمون هاسمن، ابتدا می‌بایست مدل اثرات تصادفی را برآورد کنیم.

جدول ۶. نتایج آزمون هاسمن

آماره	معنی داری P-Value	نتیجه
۲۳/۱۱	۰/۰۰	اثرات ثابت
۱۴/۰۹	۰/۰۲	اثرات ثابت

بر اساس نتایج مندرج در جدول بالا مشاهده می‌گردد که p-value بدست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرضیه H_1 مبنی بر وجود همبستگی بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی پذیرفته می‌شود. بنابراین برای برآورد مدل‌ها از روش اثرات ثابت استفاده می‌گردد.

۶.۵. نتایج فرضیه اول تا چهارم

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه اول تا چهارم

متغیر	ضریب متغیر	انحراف معیار	آماره t	معنی داری
ASSET	نسبت به کارگیری دارایی	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۶۵
DISEX	هزینه‌های اختیاری	۰/۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۹
TQ	نسبت کیوتوبین	-۲/۰۸E-۰۵	۰/۰۰۰۱	۰/۸۷
FCF	جریان وجه نقد آزاد	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۲
ROA	نسبت سودآوری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۴۳
LEV	نسبت اهرم مالی	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۱۴
C	عرض از مبدأ	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰
آماره F	۱۰/۳۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۷	
احتمال آماره F	۰/۰۰	آماره دوربین واتسون	۲/۰۳	

در بررسی معناداری مدل‌های آماری پژوهش احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچکتر است که با احتمال ۹۵ درصد، معنادار بودن مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل آماری مربوط به فرضیه اول تا فرضیه چهارم ۵۷ درصد، می‌باشد که حاکی از توانایی متغیرهای مستقل و کنترلی در تبیین تغییرات متغیر وابسته است. مقدار دوربین واتسون با عدد ۲/۰۳ عدم همبستگی بین خطاها را نشان می‌دهد. با توجه به جدول فوق، از آنجا که احتمال متغیر مستقل جریان وجه نقد آزاد کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه چهارم پذیرفته می‌شود و با افزایش یک درصدی در جریان نقد آزاد، تفاوت دائمی مالیاتی ۰/۰۰۷- درصد کاهش می‌یابد. اما سایر مؤلفه‌های هزینه‌های نمایندگی، ارتباط معنی‌داری با تفاوت‌های دائمی مالیات نداشتند.

۷،۵. نتایج فرضیه پنجم تا هشتم

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه پنجم تا هشتم

معنی داری	آماره t	انحراف معیار	ضریب متغیر	متغیر	
۰/۰۰	۷/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	نسبت به کارگیری دارایی	ASSET
۰/۰۰	۳/۵۲	۰/۰۰۶	۰/۰۲	هزینه‌های اختیاری	DISEX
۰/۰۱	-۲/۴۳	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۳	نسبت کیوتوبین	TQ
۰/۰۳	-۲/۱۶	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۶	جریان وجه نقد آزاد	FCF
۰/۴۹	۰/۶۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	بازده دارایی	ROA
۰/۸۷	۰/۱۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۴	اهرم مالی	Lev
۰/۰۰	۱۳/۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۲	عرض از مبدأ	C
۰/۴۵	ضریب تعیین تعدیل شده		۶/۶۵	آماره F	
۱/۵۹	آماره دوربین واتسون		۰/۰۰	احتمال آماره F	

در بررسی معناداری مدل‌های آماری پژوهش احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچکتر است که با احتمال ۹۵ درصد، معنادار بودن مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل آماری مربوط به فرضیه پنجم تا هشتم ۴۵ درصد می‌باشد که حاکی از توانایی متغیرهای مستقل و کنترلی در تبیین تغییرات متغیر وابسته است. مقدار دوربین واتسون با عدد ۱/۵۹ عدم همبستگی بین خطاها را نشان می‌دهد.

با توجه به جدول فوق، از آنجا که احتمال متغیرهای مستقل نسبت به کارگیری دارایی، هزینه‌های اختیاری، نسبت کیوتوبین، جریان وجه نقد آزاد کوچکتر از $0/05$ می‌باشد، بنابراین فرضیه پنجم تا فرضیه هشتم پذیرفته خواهد شد. بدین ترتیب با افزایش یک درصدی در نسبت به کارگیری دارایی و هزینه‌های اختیاری، تفاوت موقتی مالیات به ترتیب $0/008$ درصد و $0/02$ درصد افزایش می‌یابد و با افزایش یک درصدی در جریان وجه نقد آزاد و نسبت کیوتوبین، تفاوت موقتی مالیاتی به ترتیب $0/006$ - و $0/003$ - کاهش یافت.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان تفاوت‌های مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده، کمتر باشد. در ادبیات پژوهشی تفاوت‌های مالیاتی به عنوان کاهش مالیات ابرازی شرکت‌ها تعریف شده است (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸). مطابق با این تعریف، تفاوت مالیاتی شامل فعالیت‌هایی قانونی و استراتژی‌هایی برای کاهش مالیات ابرازی است. اندازه‌گیری تفاوت‌های مالیاتی، شامل یا متکی به تکنیک و برنامه مالیاتی خاصی نیست. یکی از عوامل مؤثر بر تفاوت‌های مالیاتی، هزینه نمایندگی می‌باشد.

یک شرکت می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از قراردادها میان طرف‌های مختلف تلقی گردد. یکی از مهمترین این قراردادها، قرارداد میان مدیران و سهامداران شرکت‌هاست که به دنبال جدایی مالکیت از مدیریت و بر پایه نظریه نمایندگی شکل می‌گیرد. در این قرارداد، سهامداران امور شرکت را به نمایندگان که همان مدیران باشند واگذار می‌کنند و در مقابل، حق پاسخگویی مدیران در خصوص عملکردشان را برای خود محفوظ می‌کنند. با وجود این، در قراردادهای مذکور ممکن است مدیران منافع شخصی خود را بر منافع سهامداران ترجیح دهند. این امر موجب بروز تضاد منافع در روابط نمایندگی می‌شود. وجود تضاد منافع در روابط نمایندگی، سبب هزینه نمایندگی می‌شود. در غیاب ساز و کارهای نظارتی، احتمال اینکه مدیران منابع تحت کنترل خود (متعلق به سهامداران) را در راستای تأمین اهداف شخصی به کارگیرند بیشتر می‌شود. وجود تضادهای نمایندگی، جدایی مالکیت از مدیران و افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌تواند به اتخاذ رویکرد جسورانه نسبت به مالیات کمک کند و منجر به افزایش در تفاوت‌های مالیاتی شود.

مالیات یکی از ابزارهای کسب درآمد برای دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. مالیات با توجه به نقش خاص، تأثیرات و همچنین قوانین و مقررات و سازوکارهای حاکم بر آن، از دیرباز مورد توجه بوده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهای کسب درآمد، به دنبال روش‌هایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. این روش‌ها و تلاش‌های

شرکت، جهت عدم پرداخت مالیات را با مؤلفه‌های مربوط به شکاف مالیاتی از جمله اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیاتی، مدیریت مالیاتی و غیره می‌شناسند. به کمک مؤلفه‌های شکاف مالیاتی می‌توان سرمایه کافی جمع‌آوری کرد. مؤلفه‌هایی که منجر به شکاف مالیات می‌شود به طور بالقوه می‌تواند منبع بودجه داخلی باشد. زیرا جریان نقدی را از طریق کاهش مالیات پرداختی افزایش می‌دهد (ادوارد و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین شکاف مالیاتی هم می‌تواند برای شرکت ارزش آفرینی نموده و هم می‌تواند هزینه‌های زیادی را به شرکت تحمیل کند. شکاف مالیاتی می‌تواند از طریق افزایش سود و جریان‌های نقدی، در صورتی که هزینه و ریسکی وجود نداشته باشد ارزش آفرینی کند. همچنین با توجه به نظریه نمایندگی، هزینه‌های ناشی از شکاف مالیاتی می‌تواند ارزش آفرینی آن را از بین ببرد.

تفاوت‌های مالیاتی می‌تواند مبلغ ارزشمندی برای ضعف تأمین مالی و کمبود نقدینگی باشد و تأمین مالی را از طریق بدهی و وجه نقد کاهش دهد (کیم و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین می‌تواند با کاهش پرداخت مالیات، جریان‌های نقدی که در شرکت کاهش یافته است را جبران کند؛ که این جریان‌های نقدی فراوان می‌تواند تقاضا برای بدهی را کاهش دهند و باعث افزایش جریان نقد آزاد شوند. به عبارت دیگر صرفه‌جویی مالیاتی ایجاد شده از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند در پروژه‌های شرکت سرمایه‌گذاری شود و در نهایت تأمین مالی از طریق بدهی را کاهش دهد. اهمیت جریان نقد آزاد به این دلیل است که به مدیران اجازه می‌دهد فرصت‌هایی را پیگیری کنند که ارزش سهام شرکت را افزایش می‌دهند. همچنین توسعه محصولات جدید، انجام تحصیل‌های تجاری، پرداخت سودهای نقدی به سهامداران و کاهش بدهی‌ها بدون در اختیار داشتن وجه نقد امکان‌پذیر نیست. جریان نقد آزاد را می‌توان پول نقد توزیع شده بین طلبکاران و سهامداران تلقی کرد که بعد از کسر مالیات پرداختنی از سود عملیاتی قبل از کسر استهلاک بدست می‌آید.

با توجه به اهمیت موارد فوق پژوهش حاضر به بررسی ارزیابی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیات در بین ۱۴۳ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ پرداخت. در بررسی معناداری مدل‌های آماری پژوهش مربوط به فرضیه‌های اول تا چهارم، احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچکتر است که با احتمال ۹۵ درصد، معنادار بودن مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل آماری مربوط به فرضیه پنجم تا فرضیه هشتم ۵۷ درصد، می‌باشد که حاکی از توانایی متغیرهای مستقل و کنترلی در تبیین تغییرات متغیر وابسته است. مقدار دوربین واتسون با عدد ۲/۰۳ عدم همبستگی بین خطاها را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول، از آنجا که احتمال متغیر مستقل جریان وجه نقد آزاد کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه چهارم پذیرفته شد و با افزایش یک درصدی در جریان نقد آزاد، تفاوت دائمی مالیاتی ۰/۰۰۶ درصد کاهش می‌یابد.

در بررسی معناداری مدل‌های آماری پژوهش مربوط به فرضیه‌های پنجم تا هشتم، احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچکتر است که با احتمال ۹۵ درصد، معنادار بودن مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل آماری مربوط به فرضیه پنجم تا هشتم ۴۵ درصد، می‌باشد که حاکی از توانایی متغیرهای مستقل و کنترلی در تبیین تغییرات متغیر وابسته است. مقدار دوربین واتسون با عدد ۱/۵۹ عدم همبستگی بین خطاها را نشان می‌دهد.

از آنجا که احتمال متغیرهای مستقل نسبت به کارگیری دارایی، هزینه‌های اختیاری، نسبت کیوتوبین، جریان وجه نقد آزاد کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه پنجم تا فرضیه هشتم پذیرفته شد. بدین ترتیب با افزایش یک درصدی در نسبت به کارگیری دارایی و هزینه‌های اختیاری، تفاوت موقتی مالیات به ترتیب ۰/۰۰۸ درصد، ۰/۰۲ درصد افزایش یافت و با افزایش یک درصدی در جریان وجه نقد آزاد و نسبت کیوتوبین، به ترتیب تفاوت موقتی مالیاتی ۰/۰۰۶- و ۰/۰۰۳- کاهش یافت.

با توجه به وجود رابطه معنادار در رابطه بین جریان وجه نقد آزاد و تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیاتی پیشنهاد می‌گردد در رسیدگی مالیاتی به شرکت‌هایی که در وضعیت نقدینگی بهتری قرار دارند، میزان مالیاتی شرایط فوق را مد نظر قرار دهند تا از زمان و هزینه کمتری در رسیدگی‌های مالیاتی استفاده کنند. به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد می‌گردد که هنگام بررسی‌ها و ممیزی‌ها در شرکت‌های سهامی عام که مسئله نمایندگی در آن‌ها مطرح است توجه مضاعفی در خصوص صحیح بودن مالیات ابرازی آنان مبذول داشته و با تردید حرفه‌ای بیشتری امر رسیدگی را انجام دهند و همچنین پیشنهاد می‌شود با طی کردن مراحل قانونی با شرکت‌هایی که جهت فرار از پرداخت مالیات مبادرت به افزایش این دسته از هزینه‌ها می‌نمایند، برخورد قانونی نموده و جرایمی را در نظر بگیرد.

از جمله راهکارهایی که می‌تواند در کاهش هزینه نمایندگی مؤثر باشد می‌توان به افزایش پاداش و حقوق مدیران، مداخله مستقیم سهامداران در امور سازمان، تهدید به اخراج مدیران و تهدید به خرید (بلعیدن) سهام شرکت توسط رقبا اشاره نمود.

منابع

- احمدی، محسن؛ هوشمندی، بهزاد؛ مکارمی نولائی، روح‌اله. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نگهداشت وجه نقد. دومین کنگره بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، علوم انسانی و توسعه کسب و کار.
- پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن؛ امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴(۵۲)، ۶۹-۸۵.

حیدری، مهدی؛ دیدار، حمزه؛ قادری، بهمن. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر معیارهای ارزیابی عملکرد: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۷(۲۷)، ۷۷-۱۰۱.

دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا؛ کفعمی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴)، ۴۰۹-۴۳۰.

قادری، بهمن؛ کفعمی، مهدی؛ کریمی حصارى، فرشاد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر شکاف مالیاتی. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۱(۲)، ۱-۱۶.

کرباسی یزدی، حسین؛ راسخ صالح، سمن. (۱۳۹۲). رابطه اختلاف میان سود حسابداری و سود مأخذ محاسبه مالیات با رشد و پایداری سود. پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، ۵(۴)، ۲۰۳-۲۳۶.

Bradshaw, M., Liao, G., & Ma, M. (2019). Agency costs and tax planning when the government is a major Shareholder. *Journal of Accounting and Economics*, 67 (2-3), 255-277.

Hasan, I., Incheol Kim, I., Teng, H., & Wu, Q. (2022). The effect of foreign institutional ownership on corporate tax avoidance: International evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 46, 1-18.

Wang, G. Y. (2010). The Impacts of Free Cash Flow and Agency Costs on Firm Performance. *Journal of Service Science & Management*, 3, 408-418.